

# A Study of the Aesthetics of Sultan Suleiman Ghanoni Poetry

Kanuni Sultan Süleyman'ın Şiir Estetiği Üzerine Bir İnceleme

بررسی جمال‌شناسی شعر سلطان سلیمان قانونی

Majid MOUSAZADEH 

The University of Tabriz, Tabriz, Iran



## Abstract

Poets use literary tools and create the necessary coordination between the factors of poetry to beautify their poems to have literary strength and be impeccable for audiences which were one of the most important features of poets. Due to the correct use of this method, the poetry of poets such as Hafez, Saadi, Rumi has always been accepted in the minds of the people of poetry and literature and is attractive. In addition to poets, some kings had a poetic and literary taste and experimented in this field. The Ottoman emperor, Sultan Suleiman is one of the people with a dual personality who has shown his power well in both spheres (kingdom, poetry). Therefore, there is a need for research that examines a poet's view of poetry. This poet king has been able to observe the issues related to the aesthetics of poetry using the poems of poets such as Hafez, Rumi by examining the Persian lyric collection of Sultan Suleiman. In addition, due to the influences from great poets, he has had a good performance in the superstructure section (the beauty of language, weight, music) and the depth section (topics related to content and content). Regarding the research related to aesthetics, this article aims to have a comprehensive look at the Persian lyric collection of Sultan Suleiman to first, investigate the poems of this poet and then, explain the topics related to the aesthetics of the poem by giving a sample of poems from this poet.

**Keywords:** Aesthetics, Persian poem, Sultan Suleiman, Iranian poets

## Öz

Şiir estetiği, şairlerin edebi araçları kullanarak ve şiirin yarattığı unsurlar arasında gerekli koordinasyonu sağlayarak şiirlerini edebi açıdan güçlü ve dinleyicilere beğendirmek için yaptıkları en önemli özelliklerden biridir. Hafız, Sadi, Mevlana gibi şairlerin bu yöntemi doğru kullanılmasından dolayı şiirleri, şiir ve edebiyat ehlinin zihninde her zaman kabul görmüş ve onlara çekici gelmiştir. Buna ek olarak şairlerin yanı sıra şiirsel ve edebi bir zevke sahip olan ve bu alanda şiirler yazan padişahlar da vardı. Bu iki özelliğe sahip kişilerden biri de gücünü her iki alanda da (padişahlık, şairlik) iyi bir şekilde göstermiş olan Osmanlı padişahı Kanuni Sultan Süleyman'dır. Dolayısıyla bu konuda bir şairin şiire bakışını inceleyen araştırmaların dikkate değerdir. Hafız ve Mevlana gibi duayen şairlerden faydalanılarak bu şair padişah, Sultan Süleyman'ın gazel divanını incelenmesiyle şiir estetiği ile ilgili konularda dışsal formatta (dil estetiği, vezin, musiki) ve içerik bölümünde (mazmun ve içerikle ilgili konuda) bu şairlere ne kadar riayet ettiği ve ne derece etkilendiği iyi bir şekilde gözlemlenebilir. Bu makalede, Kanuni Sultan Süleyman'ın Farsça lirik şiir koleksiyonuna kapsamlı bir bakışla ve estetiklerle ilgili araştırmalar dikkate alınarak, önce bu şairin şiirleri incelenmiş, ardından şiir estetiği ile ilgili konular her biri ele alınmıştır ve bu şairin şiirlerinden örnekler verilerek açıklanmıştır.

**Keywords:** Estetik, Fars şiiri, Sultan Süleyman, İranlı şairler

## چکیده

پرداختن به زیباسازی شعر یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که شعرا با استفاده از ابزارهای ادبی و ایجاد هماهنگی‌های لازم بین عوامل به وجود آمده شعر، به این عمل اقدام می‌کنند تا شعرشان را دارای استحکام ادبی و مخاطب‌پسند کنند. شاعرانی چون حافظ، سعدی، مولانا ... به خاطر استفاده درست از این شیوه همیشه شعرشان مورد قبول اذهان اهالی شعر و ادب هست و برایشان جذابیت دارد. حال در این بین علاوه بر شاعران، پادشاهانی بودند که ذوق شعری و ادبی داشتند و در این حوزه طبع آزمایی می‌کردند. یکی از افرادی که شخصیت دوگانه‌ای دارد سلطان سلیمان قانونی، امپراتور عثمانی است که در هر دو عرصه (پادشاهی، شاعری) قدرت خود را به‌خوبی نشان داده است. بنابراین در این میان جای پژوهشی که دیدگاه یک شاعر را نسبت به شعر بررسی کند، خالی و شایان توجه بود. با بررسی دیوان غزلیات فارسی سلطان سلیمان، این پادشاه شاعر به‌خوبی توانسته‌است مباحث مربوط به جمال‌شناسی شعر را با استفاده از دواوین شاعرانی چون حافظ، مولانا و ... رعایت کند و در بخش روستاخت (زیبایی زبان، وزن، موسیقی) و در بخش ژرف‌ساخت (مباحث مربوط به مضمون و محتوا) با تأثیرپذیری‌هایی که از شعرای بزرگ داشته است به‌خوبی عمل کند. در این مقاله با نگاهی همه‌جانبه به دیوان غزلیات فارسی سلطان سلیمان قانونی و با در نظر گرفتن پژوهش‌های مربوط به جمال‌شناسی، ابتدا به بررسی اشعار این شاعر پرداخته‌شده سپس هر کدام از مباحث مربوط به جمال‌شناسی شعر با آوردن نمونه اشعار از این شاعر توضیح داده‌شده‌است.

کلید واژگان: جمال‌شناسی، شعر فارسی، سلطان سلیمان، شاعران ایرانی

Geliş Tarihi/Received: 05.11.2021

Kabul Tarihi/Accepted: 04.02.2022

Sorumlu Yazar/Corresponding Author:

Majid MOUSAZADEH

E-posta: majidmousazadeh97@gmail.com

Cite this article: Mousazadeh, M. (2022).

A Study of the Aesthetics of Sultan Suleiman Ghanoni Poetry. *A Journal of Iranology Studies*, 16, 1-7.



Content of this journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

استفاده از صناعات ادبی و مضامین مختلف شعر خود را دل‌نشین‌تر کند تا در اذهان مخاطبین جایی برای خود باز کند. برای به وجود آمدن این زیبایی و جمال در شعر یا هر هنری باید بعضی موارد مربوط به آن را رعایت کرد. «برای اینکه هماهنگی و تناسب میان اجزا وجود داشته باشد، باید هماهنگی میان صورت و محتوا، لفظ و معنی و وحدت میان دو جنبه ذهن و عین برقرار باشد تا زیبایی تحقق یابد.» (ظهوری‌ناو، ص ۳۱، ۴۹۳۱) پس وحدت مباحث مختلف زیبا کردن، در امر زیبایی هر سروده مهم است. مسئله زیباشناسی همواره از قبل مورد توجه نظریه‌پردازان بوده است و هر یک از افراد با در نظر گرفتن دیدگاه خود تعریف‌هایی برای زیبایی در نظر گرفته‌اند که خارج از بحث ماست و به آن نمی‌پردازیم؛ اما زیبایی در شعر چیست؟ چگونه خود را می‌تواند نشان دهد؟ منظور از زیبایی و جمال در شعر آن ویژگی‌هایی است که شعر را برای خواننده لذت بخش می‌کند. این زیبایی هم در شعر همیشه یکسان نیست به خاطر این که هر یک از قالب‌های شعری با در نظر گرفتن فضای شعری، زبان و صورخیال، وزن و ... زیباشناسی متفاوتی را می‌طلبد. «در بین انواع هنر، شعر هنری کلامی است و به لحاظ آن که در قالب زبان بیان می‌شود خیلی بیشتر از هنرهای دیگر با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند؛ و در صورتی که برخوردار از زیبایی باشد می‌تواند او را به افق‌های بسزاد، ادگار آلن پو درباره شعر و زیبایی آن می‌گوید: «شاعر با بد و نیک و یا حقیقی بودن کاری ندارد، سروکارش با زیبایی است. وظیفه نخستین او رسیدن به زیبایی برین است که زیبایی این جهانی جلوه‌ای از آن است» (تقی پورنامداریان، ص ۸۳۱، ۰۲) اما اینکه زیبایی چگونه پدید می‌آید و منتقد با چه معیارهایی باید به ارزیابی آن بپردازد، از مواردی است که کمتر به آن پرداخته‌اند.» (صهبا، ص ۲۹، ۴۸۳۱). می‌توان گفت منظور آلن پو این است که شاعر برای زیبا کردن شعر خود باید از تمامی صور خیال و فنون ادبی استفاده کند تا شعرش محبوبیت پیدا کند و در اذهان ماندگار شود. در این جستار با استفاده از منابع مربوط به شعرای عثمانی و با روش توصیفی و تحلیلی دیوان فارسی سلطان سلیمان قانونی به دقت مطالعه شده و با استفاده از منابع و پژوهش‌های مختلف در امر زیباشناختی، ابیات و نمونه‌ها استخراج شده‌است تا به این سؤال مهم جواب داده شود که آیا این پادشاه شاعر توانسته‌است با استفاده از مبانی زیباشناسی شعر خود را موردقبول اکثریت کند؟

### ۳. پیشینه تحقیق

بررسی مباحث مربوط به زیباشناختی همواره مورد توجه پژوهشگران بوده‌است: استاد شفیع کدکنی در نوشته‌های

خود (ادوار شعر فارسی، صور و خیال، موسیقی شعر)، استاد تقی پور نامداریان در سفر در مه و ... به مباحث و موارد لازم برای زیباکردن شعر اشاره کرده‌اند. همچنین مقالات و پژوهش‌هایی نیز در مورد بررسی زیبایی‌شناسی و جمال‌شناسی اشعار شاعران صاحب سبک نیز نوشته شده که در آن‌ها به بررسی جزئیات پرداخته شده‌است. در مورد دیوان سلطان سلیمان مقالات یا پژوهش‌هایی انجام شده‌است که از مهم‌ترین آن می‌توان به مقاله استاد کاووس حسن‌لی (تسلط شاعر بر پادشاه، وام‌گیری‌های سلطان سلیمان از حافظ شیرازی) اشاره کرد؛ اما تابه‌حال مقاله‌ای با این موضوع مذکور (بررسی جمال‌شناسی شعر سلطان سلیمان) نوشته نشده‌است. نگارنده سعی دارد تا با استفاده از منابع مربوط به زیبایی‌شناسی به بررسی غزلیات فارسی شاعر پادشاه (سلطان سلیمان عثمانی) بپردازد. پرداختن به این مقاله از آن جهت حائز اهمیت است که می‌توان در آن دیدگاه یک شاعر پادشاه نسبت به شعر و شاعری را جست‌وجو کرد.

### ۴. بحث (زیبایی شعر)

هر شاعری برای زیبا و شیرین بیان کردن سروده خود نیازمند استفاده از ابزارها و مطالب مربوط به زیبایی‌شناسی است. «یک ساخته، یک منظور، یک تخیل یا یک مجموعه، از هر مقوله که باشد، در صورتی می‌تواند تأثیر زیبایی را القا کند که: در مجموع عناصر آن آرمی یا هماهنگی چندین عنصر (چه موجود در مجموع و یا تذکار شده به وسیله همان مجموع) به نیت خاصی (هرچه می‌خواهد باشد) مستقر شده باشد؛ بنابراین: هر آرمی استقرار یافته‌ای، عنصر زیبایی نیست.» (گاستالا، ص ۴۹، ۶۳۳۱). پس شاعر یا هر شخصی که دست به زیباکردن هنر خود می‌زند باید در نظر بگیرد که زیبایی یک امر مستقل است. حتی در این امر بعضی از شاعران با توجه به تجربه و تصاویری که در ذهنشان خلق می‌شود دست به زیبا آفرینی در شعر می‌کنند. به‌طور مثال خیام در رباعی زیر با استفاده از صورخیال (تناسب، تشبیه) تصویر جالبی را ایجاد کرده است:

این کوزه چو من عاشق زاری بوده‌است / در بند سر زلف نگاری بوده‌است

این دسته که بر گردن او می‌بینی / دستی است که بر گردن یاری بوده‌است

(خیام، ص ۲۰۱، ۱۹۳۱)

حال ما کلیات مباحث زیباشناسی شعر را با شکل زیر نشان می‌دهیم:

زیبایی یا زیباشناسی یک شعر مقوله‌ای است که هر شاعری با توجه به سبک خاص خود و با در نظر گرفتن فضای شعری دست به آن کار می‌زند. یکی از آن شاعران، سلطان سلیمان قانونی است. «سلطان سلیمان اول یا سلطان سلیمان قانونی به سال ۰۰۹ هجری قمری برابر با ۶ نوامبر ۴۹۴۱ میلادی-۷/۶/۵ سپتامبر ۱۶۵۱) در شهر تبریز از ترکیه متولد شد. وی دهمین سلطان امپراتوری عثمانی است که از سال ۰۲۵۱ م تا لحظه مرگش در سال ۶۶۵۱ م بر امپراتوری عثمانی حکم راند و از این لحاظ طولانی‌ترین دوره سلطنت را در میان خاندان عثمانی داراست.» (رضایی، مدرسی، ص ۷۲، ۴۹۳۱) سلطان سلیمان محتشم یکی از پادشاهان بااقتدار و بااهمیت امپراتوری عثمانی به حساب می‌آید، چراکه در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... فعالیت‌های به سزایی انجام داد و باعث شکوفایی و ترقی حکومت خود شد. این پادشاه باشکوه عثمانی «محب علم و ادب، علما، ادبا و فقها بود و از نظر طبع و اخلاق فردی آرام، باوقار و صاحب‌فکر و دانش بود. با حمایت‌های سلیمان، عصر طلایی فرهنگ و هنر امپراتوری عثمانی شکوفا شد. او خود شاعری باذوق بود؛ به فارسی و ترکی شعر می‌سرود و محبتی تخلص می‌کرد، برخی از سروده‌های او به‌عنوان ضرب‌المثل در ترکی رواج دارد. افزون بر آثار خود سلیمان، در دوره زمامداری او شاعران بزرگی با به عرصه ادبیات گذاشتند که روح تازه‌ای در کالبد ادبیات جهان دمیدند.» (همان، ص ۶۳ و ۷۳، ۴۹۳۱) می‌توان گفت علاقه‌مندی این پادشاه به شعر و ادب از پدر خود به ارث رسیده است زیرا پدرش (سلطان سلیم اول) نیز علاوه بر پادشاهی و کارهای سیاسی از خود یک دیوان شعر فارسی به یادگار گذاشته‌است که در نوع خود شایان توجه است. با توجه به اینکه اکثر پادشاهان و مردان سیاسی امپراتوری عثمانی به شعر و ادب فارسی علاقه‌مند بودند، سرایندگان بسیاری از ایران به آن کشور مهاجرت کردند یا به‌نوعی تأثیر خود را از ایران به آنجا رسانیدند. در این میان صاحبان سبک در شعر فارسی چون مولانا، سعدی، حافظ، جامی و ... سهمی به سزا و تأثیر مستقیم در شیوه شاعری آن‌ها داشتند. محبتی و همچنین پدرش در جای‌جای اشعار خودشان از اشعار حافظ و سعدی تأثیر پذیرفته‌اند و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از دیوان آنان بهره‌مند شده‌اند. سلطان سلیمان با توجه به علاقه‌مندی خود به اشعار فارسی توانسته‌است با استفاده از ذوق شعری و منبع قراردادن دیوان شاعران پیشرو به‌خصوص حافظ اشعار زیبا چه از نظر روایت و چه از نظر ژرف‌ساخت بسازد. این پادشاه تا جایی که توانسته از ابیات و کلمات مختص دیوان حافظ (می، رند، مغ، مغ‌بچه و ...) استفاده کرده است. «تأثیرپذیری گسترده و آشکار سلطان سلیمان قانونی از حافظ شیرازی به گونه‌های مختلف در دیوان فارسی سلطان سلیمان دیده می‌شود. این بهره‌گیری تنها به واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیبات خاص محدود نمی‌شود، بلکه اقتباس‌های گوناگون او از مصراع‌ها و بیت‌ها تا ساختار کلی برخی غزل‌ها را در برمی‌گیرد.» (حسن‌لی، ص ۲) اما ذکر این نکته در اینجا خالی از لطف نیست؛ که وجود پادشاهان و بزرگ‌مردان سیاسی، ادبی، فرهنگی امپراتوری عثمانی نقش به سزایی در ادبیات فارسی و ادبیات ایرانی داشته است چراکه این سرزمین پهناور همواره یکی از پناهگاه‌های مهم فرهنگی و ادبی بود و شاعران و نویسندگان ایرانی برای ادامه حیات و فعالیت‌های ادبی به آغوش آن حکومت پناه می‌بردند که از این شعرا و اشعار آن‌ها هم استقبال گرمی از طرف صاحبان منصب می‌شد. پناهگاه آسیای صغیر برای شاعران و نویسندگان گریزان از دست مغولان و همچنین تأثیر ادبیات عثمانی بر ادبیات معاصر فارسی همواره مشتق از این خروار حمایت‌هاست، که دکتر محمدامین ریاحی در کتاب «زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی» به‌صراحت بیان می‌کند که در دوران حکومت زندیه و قاجاریه ما شاهد گشایش درهای امپراتوری عثمانی بعد از اختلافات دوران صفوی هستیم. درست است که محبتی در اشعار خود از سرایندگان بزرگ ایرانی تأثیر پذیرفته ولی در بیشتر غزلیات خود با استفاده از واژگان اشعار شاعران دیگر، توانسته است شعر را از نظر زبان، موسیقی، وزن، محتوا به زیبایی در لباسی دیگر بیان کند. همچنین چندین غزل او به‌خصوص غزلی با مطلع (دیده از آتش دل غرقه آب است مرا / کار این چشمه ز سرچشمه خراب است مرا) از نظر محتوا بسیار زیبا و پرپراست. پس «از جمله زمینه‌هایی که زیبایی می‌تواند، خود را در آن مطرح کند، هنر شاعری است. شاعر با ترفندهای شاعرانه، کلامی زیبا و تأثیرگذار می‌آفریند و نه تنها در مخاطبان لذت ایجاد می‌کند، بلکه آن‌ها را اقناع کرده به پذیرش اندیشه عاطفی خویش وامی‌دارد. به همین دلیل سخنوران بزرگ برای انتقال اندیشه‌های خود، طریقی بهتر از آفرینش زیبایی برای نفوذ در نفوس مخاطبان نمی‌شناسند.» (عقدایی، ص ۳، ۴۸۳۱) بنابراین اگر شاعری می‌خواهد اشعارش لذت بخش و در بین اذهان اهالی شعر و ادب جایی برای خود بگیرد باید اسباب زیباشناسی شعر را در سروده‌هایش به کار گیرد. محبتی هم‌علی‌رغم اینکه یک مرد سیاسی است ولی به‌خوبی توانسته است در غزلیات فارسی‌اش ابیاتی را بسراید که همگام با برخی غزلیات شاعران ایرانی باشد.

### ۲. بیان مسئله و روش کار

همان‌طور که ذکر شد زیبایی یکی از ویژگی‌هایی است که هر شاعری می‌خواهد با

۱. آواها  
 ۱. زیبایی زبان <<<<< ۲. واژگان  
 ۳. ترکیبها  
 ۱. زیبایی برونی ۴. نحو  
 ۱. موسیقی بیرونی  
 ۲. زیبایی موسیقایی <<<<< ۲. موسیقی درونی  
 ۳. موسیقی کناری  
 ۴. موسیقی معنوی  
 ۱. زیبایی شعر  
 تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه  
 ۳. زیبایی تخیل <<<<<<< سمبل، حس آمیزی، اغراق، ایهام  
 اسطوره، متناقض نما و ...  
 عاطفه  
 ۲. زیبایی درونی احساس (محتوا) اندیشه  
 ۳. زیبایی حاصل از هماهنگی (صهبا، ص ۳۹، ۴۸۳۱)  
 ۴.۱. زیبایی برونی  
 ۴.۱.۱. زیبایی زبان: یکی از زیبایی‌هایی که باعث دل‌نشین شدن شعر یا متن ادبی می‌شود، زیبایی‌های مربوط به بیرون از شعر است. همان‌طور که در جدول بالا مشخص شد، زیبایی بیرونی شامل زیبایی‌های زبانی، زیبایی‌های موسیقایی و زیبایی‌های مربوط به تخیل است که هر کدام از این‌ها نیز زیرشاخه‌های خود را دارند. اگر با یک مثال ساده بتوان این زیبایی بیرونی شعر را توضیح داد، می‌توان به بعضی موسیقی‌ها و شعرهایی اشاره کرد که ما هیچ معنایی از آن متوجه نمی‌شویم ولی چنان از ترفندهای مربوط به زیبایی بیرونی استفاده شده‌است که به دل هر مخاطبی می‌نشیند. یا به زیبایی صدای پرندگان می‌توان اشاره کرد که موزون و هم‌زمان بودن صدایشان باعث دل‌نشین شدن می‌شود. پس هر شاعری برای زیبا کردن شعر خود باید از مفردات و ترکیباتی استفاده کند که با فضای شعری همخوانی داشته باشد. به‌طور مثال ما در سرودن یک شعر در قالب قصیده نمی‌توانیم از ترکیبات یا اصطلاحات مربوط به غزلیات عارفانه استفاده کنیم. ولی به این اصل باید اشاره کرد که در ادبیات فارسی هیچ مبحثی را به قطعیت نمی‌توان بیان کرد چه‌بسا شاید شاعری پیدا شود که از این ترفند استفاده کرده و با استفاده از صناعات ادبی از کلمات و واژگان مختص قالب‌های شعری در یک سروده خود آورده است. استاد تقی پورنامداریان در کتاب (سفر در مه) آورده‌اند که: «هر مضمون و عاطفه‌ای زبان خاص خودش را می‌طلبد و نیز برحسب حال و شخصیت مخاطب، لحن و کیفیت سخن چه از نظر مفردات و ترکیبات و چه از حیث بافت نحوی باید تغییر کند... تسلط گوینده خواه زبان گفتار و خواه زبان نوشتار، شناخت استعدادها و ظرفیت‌های گوناگون زبان، گوینده را به تحقق هماهنگی و هم‌سازی زبان باحال مخاطب و حال مقال یاری نکند. هماهنگی و علائمی که خواننده میان زبان و مایه و مضمون عاطفی شعر چه آگاهانه و چه ناآگاهانه احساس می‌کند سبب احساس زیبایی در خواننده و تشدید تاثیرپذیری وی میگردد» (پورنامداریان، صص ۱۰۴، ۲۰۴، ۱۸۳۱)

سلطان سلیمان نیز در اشعار خود با استفاده از آرایه واج‌آرایی (نغمه حروف) توانسته است نوعی موسیقی را ایجاد کند که تداعی‌کننده معنای خاصی باشد:

در ره جانان فشاندن سهل باشد اشک را / هرکه عاشق شد حقیقت جان برافشانی خوش است  
 (سلطان سلیمان، ص ۲۹، ۴۹۳۱)

تکرار حرف «ش» شش بار، یک نوع شور و مستی را تداعی می‌کند که عاشق برای فداکاری خود در راه جانان خوشحال است. یا در بیت زیر شاعر با استفاده از حروف «د، ن» که تلفظشان همراه با ساکن بودن است، تکرارشان باعث می‌شود که ما در معنا و مفهوم و قدرت کلمات، تأمل بیشتری کنیم:

نقد جان دادن به جانان کار هر مجنون مدان / کین جلادت در جنون عشق آیین من است  
 (سلطان سلیمان، ص ۲۹، ۴۹۳۱)

همچنین شاعر با استفاده از قاعده هم‌نشینی و با آوردن کلمات (جان، جانان، مجنون، جنون) یک نوع موسیقی ایجاد کرده است.

۴.۱.۱.۱. واژگان: هر شعر یا متن ادبی با توجه به فضای خود نیازمند کلماتی است که معنا و مضمون را همراه با موسیقی کلامی برساند. بعضی از کلمات هستند که تلفظشان دشوار است و در کتاب‌های مربوط به صناعات ادبی آن‌ها را «غرایب استعمال» نامیده‌اند که در زبان امروزی آن کلمات متروک شده‌اند، اما شاعران کلاسیک به خاطر فضای شعری خود از آن استفاده کرده‌اند و حتی آگاهانه دست به این کار زده‌اند. استاد میر جلال‌الدین کزازی در کتاب زیباشناسی شعر پارسی (در بخش بدیع) بی‌بی‌بی از حافظ را شاهد آورده‌اند:

عروس بخت در آن حجله با هزاران ناز / شکست کسمه و برگ گل گلاب زده  
 (حافظ، ص ۳۷۵، ۵۸۳۱)

«کسمه، واژه‌ای دور و ناشناخت. در دیوان حافظ تنها یک‌بار در همین بیت به کار رفته‌است. (کسمه) در معنا کمابیش با طره و کاکل یکی است. خواجه می‌توانست، به آسانی به جای آن یکی از دو واژه آشنا را به کار ببرد. بدین‌سان کسی را نمی‌رسید که خام و گستاخ سروده او را عینک بشمارد و بینگارد. اگر خواجه واژه کسمه را به کار برده‌است، به پاس هنری نغز و بس دلاویز است که در نگاه نخستین دریافت می‌نماید: بافت آوایی سخن و خنثیای درونی آن، خواجه با نشان دادن کسمه در کنار «شکسته» و دو آوای «س، ک» را نازک و نغز به کار گرفته است، بدین‌سان جان شکستگی و آوای آن را در پیکر سخن دردمیده‌است.» (کزازی، ص ۲۳ و ۳۳، ۲۹۳۱). پس شاعران برای زیبا کردن شعر خودشان باید قاعده هم‌نشینی کلمات را در نظر گرفته باشند و از کلماتی استفاده کنند که از یک خانواده هستند و تناسبی باهم دارند.

سلطان سلیمان هم در اشعار خود توانسته است با استفاده از آرایه «واژه آرایی» تناسب مفهومی و مضمونی در ابیات و شاعر خود ایجاد کند:

سجده در محراب کردن زاهدان نبود درست / تا نباشد پیش ارباب نظر ابروی دوست  
 (سلطان سلیمان، ص ۳۹، ۴۹۳۱)

شاعر در این بیت با آوردن کلمات «سجده، محراب، زاهد» و تناسب معنایی بین این واژگان یک نوع موسیقی را ایجاد کرده است. بخش مهم این زیبایی در اینجاست که محبتی با استفاده از ابیات حافظ، ابروی دوست را محراب دانسته و با استفاده از آرایه تشبیه توانسته است که مرتبه معشوق خود را از آن بالاتر بداند.

همچنین در بیت زیر، سلطان سلیمان با استفاده از واژه «هوا» و معنای مختلف آن، در سروده خود موسیقی ایجاد کرده که باعث دل‌نشین شدن شعر و تأمل برانگیز شدنش شده‌است.

چون هوای زلف تو در سینه من جا گرفت / آن هوا از سر نرفت و من هوایی چون کنم  
 (سلطان سلیمان، ص ۱۱۱، ۴۹۳۱)

۴.۱.۱.۳. ترکیبات: همچنین در بعضی از ابیات شاعر با استفاده از چندین تکواژ یا واژه یک ترکیب جدیدی می‌سازد. در بین شاعران ایرانی خاقانی و نظامی سرایندگان قرن ششم در این زمینه تخصص خاصی داشتند. «هنر شاعر بزرگی همچون نظامی در ساختن ترکیبات جدید است. نظامی این کار را در وضعیت‌ها و موقعیت‌های گوناگون جهان داستان، هم برای «ادای مقصود» انجام داده‌است و هم برای برجسته کردن سخن شاعرانه خود. ترکیب‌سازی‌های «اشتقاقی» بدیع نظامی در ذیل عنوان‌هایی همچون:

۱. آواها  
 ۱. زیبایی زبان <<<<< ۲. واژگان  
 ۳. ترکیبها  
 ۱. زیبایی برونی ۴. نحو  
 ۱. موسیقی بیرونی  
 ۲. زیبایی موسیقایی <<<<< ۲. موسیقی درونی  
 ۳. موسیقی کناری  
 ۴. موسیقی معنوی  
 ۱. زیبایی شعر  
 تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه  
 ۳. زیبایی تخیل <<<<<<< سمبل، حس آمیزی، اغراق، ایهام  
 اسطوره، متناقض نما و ...  
 عاطفه  
 ۲. زیبایی درونی احساس (محتوا) اندیشه  
 ۳. زیبایی حاصل از هماهنگی (صهبا، ص ۳۹، ۴۸۳۱)  
 ۴.۱. زیبایی برونی  
 ۴.۱.۱. زیبایی زبان: یکی از زیبایی‌هایی که باعث دل‌نشین شدن شعر یا متن ادبی می‌شود، زیبایی‌های مربوط به بیرون از شعر است. همان‌طور که در جدول بالا مشخص شد، زیبایی بیرونی شامل زیبایی‌های زبانی، زیبایی‌های موسیقایی و زیبایی‌های مربوط به تخیل است که هر کدام از این‌ها نیز زیرشاخه‌های خود را دارند. اگر با یک مثال ساده بتوان این زیبایی بیرونی شعر را توضیح داد، می‌توان به بعضی موسیقی‌ها و شعرهایی اشاره کرد که ما هیچ معنایی از آن متوجه نمی‌شویم ولی چنان از ترفندهای مربوط به زیبایی بیرونی استفاده شده‌است که به دل هر مخاطبی می‌نشیند. یا به زیبایی صدای پرندگان می‌توان اشاره کرد که موزون و هم‌زمان بودن صدایشان باعث دل‌نشین شدن می‌شود. پس هر شاعری برای زیبا کردن شعر خود باید از مفردات و ترکیباتی استفاده کند که با فضای شعری همخوانی داشته باشد. به‌طور مثال ما در سرودن یک شعر در قالب قصیده نمی‌توانیم از ترکیبات یا اصطلاحات مربوط به غزلیات عارفانه استفاده کنیم. ولی به این اصل باید اشاره کرد که در ادبیات فارسی هیچ مبحثی را به قطعیت نمی‌توان بیان کرد چه‌بسا شاید شاعری پیدا شود که از این ترفند استفاده کرده و با استفاده از صناعات ادبی از کلمات و واژگان مختص قالب‌های شعری در یک سروده خود آورده است. استاد تقی پورنامداریان در کتاب (سفر در مه) آورده‌اند که: «هر مضمون و عاطفه‌ای زبان خاص خودش را می‌طلبد و نیز برحسب حال و شخصیت مخاطب، لحن و کیفیت سخن چه از نظر مفردات و ترکیبات و چه از حیث بافت نحوی باید تغییر کند... تسلط گوینده خواه زبان گفتار و خواه زبان نوشتار، شناخت استعدادها و ظرفیت‌های گوناگون زبان، گوینده را به تحقق هماهنگی و هم‌سازی زبان باحال مخاطب و حال مقال یاری نکند. هماهنگی و علائمی که خواننده میان زبان و مایه و مضمون عاطفی شعر چه آگاهانه و چه ناآگاهانه احساس می‌کند سبب احساس زیبایی در خواننده و تشدید تاثیرپذیری وی میگردد» (پورنامداریان، صص ۱۰۴، ۲۰۴، ۱۸۳۱)  
 با توجه به جدول (ش ۱) زیبایی در زبان که شامل زیباشناسی بیرونی می‌شود به چهار دسته: ۱. واج‌آرایی، ۲. واژگان، ۳. ترکیبات، ۴. نحو تقسیم می‌شود.  
 ۴.۱.۱.۱. آواها: نغمه حروف یا واج‌آرایی در یک بیت باعث موسیقایی و آهنگین شدن در سروده می‌شود. علاوه بر این زیبایی، تکرار حروف در شعر گاهی اوقات تداعی‌کننده یک معنی خاصی است. مثلاً رودکی در بیت:  
 خزید و خز آرید که هنگام خزان است / باد خنک از جانب خوارزم وزان است  
 (منوچهری، ص ۷۴۱، ۸۳۳۱)  
 تکرار حروف (خ، ز) یادآور خش‌خش فصل پاییز است و خواننده با شنیدن آن به یاد خزان می‌افتد. یا در این بیت حافظ حروف (و) با گرد شدن لب‌ها و باز و بسته شدن دهان تلفظ می‌شوند که با عمل بوسیدن تناسب دارد.  
 چشمم از آینه‌داران خط و خالشد باد / لبم از بوسه ربایان بر و دوشش باد  
 (حافظ، ص ۳۴۱، ۵۸۳۱)

ترکیبات ونددار و شبه ونددار، صفات فاعلی و مفعولی مرکب مرخم، ترکیبات اسمی، ترکیبات وصفی و ترکیبات معمول دارای معانی نامعمول بررسی و تحلیل شده‌اند» (قاسمی‌پور، ص ۱، ۹۳۱). سلطان سلیمان تخصصی در این زمینه ندارد. ولی در غزلیات خود با استفاده از دیوان شعرای ایرانی دست به این کار زده‌است. مثلاً محبتی در یکی از ابیات خود به کمک لغات و دیوان شعر حافظ شیرازی با آوردن «دیر خراب‌آباد» و با استفاده از آرایه پارادوکس یک نوع موسیقی و زیبایی در شعر ایجاد کرده‌است:

من که غم پرور این دیر خراب‌آبادم / زانم آباد که دانم به خرابی شادم

(سلطان سلیمان، ص ۵۱۱، ۴۹۳۱)

۴، ۱، ۱، ۴. نحو: محور هم‌نشینی کلمات یا نحوه قرار گرفتن واژگان در بیت اهمیت بالایی دارد. در بعضی از ابیات شاعر با استفاده از شیوه بلاغی (با تقدیم و تأخیر کردن) و با استفاده از روش جایجایی، جایگاه واژگان را تغییر می‌دهد که هدف او تأمل برانگیز کردن سروده خود است. این روش در شعر اکثر شاعران وجود دارد و جزء لاینفک شعر است. «هر جابه‌جایی و تغییر شکلی که ترتیب نحوی ایجاد می‌شود و هر یک از امکانات ترکیبی زبان که برای القای معنای خاصی به کار می‌رود اگر متناسب با اقتضای حال و مقام باشد از زیبایی مخصوص به خود برخوردار است مانند تمهید جابه‌جایی و ایجاد مکث‌هایی که در شعر زیر برای فخامت کلام رخ داده‌است:

زمین به هیأت دستان انسان درآمد

هنگامی که هر برهوت

بستانی شد و باغی.

و هرزابه‌ها

هر یک

راهی بر که‌ای شد.

چراکه آدمی

طرح انگشتانش را

با طبیعت در میان نهاده بود.

(شاملو، ص ۲۷۵، ۹۷۳۱)

در این شعر، عبارت «هنگامی که هر برهوت {بستانی شد و باغی / و هرزابه‌ها} هر یک راهی بر که‌ای شد.» یک گروه قیدی طولانی است که شاعر با تمهیدی که به کار بسته و آن را پس از فعل اصلی آورده و نیز درنگ‌هایی که بر اثر تقطیع پلکانی در سطر دوم و سوم ایجاد کرده، کلام خود را صلابت بخشیده‌است. (صهبا، ص ۸، ۴۸۳۱). در غزلیات فارسی سلطان سلیمان هم به این شیوه برمی‌خوریم:

در دست تو ای یار جفا جو چو «محبتی» / فریاد کنم شام و سحر تا به قیامت

(سلطان سلیمان، ص ۸۸، ۴۹۳۱)

شاعر در این بیت با تقدیم کردن فعل بر گروه قیدی (شام و سحر تا به قیامت) تأکیدی در عمل خود نشان داده‌است. همچنین او با استفاده از واژگان و آرایه اغراق به خوبی توانسته‌است تا میزان جفا دیدن خود را نشان بدهد.

پس نتیجه‌ای که از این بخش «موسیقی بیرونی، زبانی» می‌توان گرفت این است که قدرت واژگان و هم‌نشینی کلمات می‌تواند در موسیقی یک شعر و القای معنا و مفهوم نقش به سزایی داشته باشد. «کاربرد موسیقی شعر در متون منظوم، گاه از طریق آواها صورت می‌گیرد و گاه شاعر به کمک واژگان، به زیباسازی شعر خود اقدام می‌کند؛ از این رو، کلمه و واژه و جای کاربرد آن‌ها در متون، نقشی مهم در ایجاد موسیقی و جلب توجه مخاطبان دارد.» (نیک‌خواه نوری و همکاران، ص ۲، ۰۰۴۱). سلطان سلیمان هم در غزلیات خود از این نوع موسیقی بهره برده است.

## ۲. زیبایی بیرونی

۴، ۱، ۲. زیبایی موسیقایی: موسیقی شعر که باعث صلابت، استحکام و هنری بودن شعر می‌شود، حاصل در کنار هم قرار گرفتن واژگان و عناصر آوایی و صوتی است که استاد محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر خود در تعریف موسیقی می‌فرماید: «مجموعه عواملی که به اعتبار آهنگ و توازن سبب رستاخیز کلمه‌ها و تشخیص واژه‌ها در زبان می‌شوند» (شفیعی کدکنی، ص ۸، ۰۷۳۱). عوامل و عناصری را که در شعر باعث موسیقایی و آهنگین شدن می‌شود، در چهار دسته «موسیقی بیرونی،

موسیقی درونی، موسیقی کناری، موسیقی معنوی» قرار می‌دهیم که هر یک از این موارد در کنار هم باعث دل‌نشین شدن و زیبایی شعر می‌شود. شاعری می‌تواند شعر خودش را در اذهان ثبت کند که به این عناصر توجه خاصی داشته باشد. باید به این نکته اشاره کرد که «موسیقی بیرونی عبارت است از اوزان عروضی و نیمایی، موسیقی کناری که همان طنین ردیف و قافیه است، موسیقی درونی که مهم‌ترین موسیقی شعر است و در حقیقت عبارت است از مجموعه هماهنگی‌هایی که از رهگذر تشابه و تفاوت صامت‌ها و مصوت‌ها پدید می‌آید و در واقع برخوردار از صنایع لفظی است و موسیقی معنوی اشتمال شعر بر صنایع معنوی است. (شوکتی، ص ۱، ۷۹۳۱) زیبایی در موسیقی یک بیت یا سروده از آن جهت مهم است که مخاطب وقتی یک سروده را می‌خواند اولین بار به وزن، قافیه و هماهنگی‌های واژگان برخورد می‌کند طبیعتاً شعر شاعری دل‌نشین خواهد بود که چاشنی این عناصر در سروده‌اش موجود باشد.

سلطان سلیمان عثمانی در سرودن اشعار خود با توجه به موضوع و مضمون شعر، به سراغ اوزانی رفته است که در دیوان حافظ آن را می‌توان یافت. توضیح اینکه او دیوان حافظ را یک کتاب وزن برای خود انتخاب کرده و آن استفاده کرده‌است:

یاد باد آن که سر کوی توأم منزل بود / دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود

(حافظ، ص ۱۸۲، ۵۸۳۱)

یاد باد آن که مرا دیر مغان مأوا بود / خاطر مواله آن مغبجه زیبا بود

(سلطان سلیمان، ص ۵۰۱، ۴۹۳۱)

اگر این دو بیت یا دو غزل را باهم مقایسه کنیم خواهیم دید که سلطان سلیمان چه از نظر وزن و چه از نظر سایر عناصر زیباشناسی به استقبال حافظ رفته و کاملاً از واژگان دیوان حافظ بهره‌مند شده‌است.

۴، ۱، ۲، ۱. موسیقی بیرونی (وزن): هر شاعری برای زیباتر جلوه دادن شعر خود، نیازمند یک وزن متناسب با حال و احوال سروده خود است. همان‌طور که در سطور بالا ذکر شد، شاعری می‌تواند هنر خود را در اذهان مخاطب قرار بدهد که به این مسائل زیباشناختی دقت داشته‌باشد. حالا در این بین می‌توانیم موسیقایی (وزن) نقش به سزایی در رساندن مضمون یا احساس و عاطفه دارد شاعر باید دقت داشته‌باشد که بیت یا شعری در دل خواهد نشست که از دل برآید. مقصود این است که «زیباترین وزن برای بیان هر عاطفه‌ای که هم‌زمان با انفجار آن ظهور کند. اگر وزن قبل از سرودن شعر انتخاب شود و واژه‌های شعر در قالب آن وزن منتخب ریخته شود ممکن است یاور شاعر در بیان احساسات خود به صورت موزون باشد اما هماهنگ با احساس نیست. وزنی مطیع احساسات و رام شاعر است که هم‌زاد با اندیشه شعر از درون ذهن شاعر یا به عرصه هستی بگذارد.» (صهبا، ص ۸۹، ۴۸۳۱). با بررسی دیوان محبتی درمی‌یابیم که او هم مثل اکثر شعرای ایرانی در استفاده از اوزان عروضی برای سروده‌های خود به‌درستی عمل کرده‌است البته همان‌طور که ذکر شد سهم حافظ و دیوان حافظ در سرودن چنین اشعاری با چنین اوزانی بسیار چشمگیر است. با توجه به «کلیات دیوان سلطان سلیمان قانونی به تصحیح دکتر فاطمه مدرسی و دکتر وحید رضایی» سلطان سلیمان ۶۹ تا غزل فارسی، ۲۲ رباعی به زبان فارسی دارد. با بررسی اشعار فارسی از بین ۶۹ تا غزل فارسی، ۴۴ چهارتا در بحر رمل (۵۴ درصد)، ۰۲ تا غزل در بحر هزج (۱۲ درصد)، ۸۱ تا در بحر مضارع (۹۱ درصد)، ۳۱ تا در بحر مجتث (۴۱ درصد) و در هر یک از بحرهای خفیف و رجز یک غزل دارد. با یک مقایسه می‌توان دریافت که شاعر بیشتر با استفاده از بحر رمل و بحر هزج به سرودن اشعار قلندرانه، رندانه و عاشقانه خود دست به‌قلم شده‌است. همچنین با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته از دیوان حافظ بسامد این دو بحر (هزج و رمل) نیز در دیوان او بیشتر است. توضیح اینکه سلطان سلیمان علاوه بر مضمون در موسیقی نیز با استفاده از واژگان دیوانی حافظ، به سراغ این شاعر شیرازی رفته است اما با استفاده از قدرت و توانایی شاعری خود، این مضامین را با کسوتی متفاوت در دیوان خود آورده که این نشان از ذوق و ذکاوت ادبی این بزرگ‌مرد است:

نسیم صبح بگو آن نهال رعنا را که باغ عمر خزان دیده از تو شد ما را

(سلطان سلیمان، ص ۱۸، ۴۹۳۱)

صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را

(حافظ، ص ۶، ۵۸۳۱)

البته به این نکته باید اشاره کرد که سلطان سلیمان هم در دیوان خود در یک یا دوغزل شکست وزنی ایجاد کرده و از بحر کلی یک غزل خارج شده‌است:

حال خود گویم با فغان با دل ناشاد خود / حالتی دارم من دیوانه با فریاد خود

(سلطان سلیمان، ص ۱۰۱، ۴۹۳۱)

موسیقی شعر، مهم‌ترین قلمرو موسیقی است و استواری و انسجام و مبانی جمال‌شناسی بسیاری از شاهکارهای ادبی، در همین نوع از موسیقی نهفته است. «شغیعی کدکنی، ص ۲۹۳، ۰۷۳۱». مضمون غزلیات سلطان سلیمان (رندانه، قلندرانه، عاشقانه، ترک زهد، مسلمانی ظاهری و ریاکاری) است و در این امر به سراغ شاعران رند و عرفانی رفته است. با توجه به این مضمون او در ابیات خود از گروه واژگانی استفاده کرده است که در حول محوریت این مضامین است.

سازم از لوٲ ریا غسل طریق ای پیر دیر / چون فقیه آید درون خم کنی پنهان مرا  
(سلطان سلیمان، ص ۳۸، ۴۹۳۱)

شاعر در بیت بالایی با آوردن واژگانی چون «غسل، دیر، خم، ریا، فقیه» و با استفاده از صنعت مراعات‌النظیر موسیقی درونی ایجاد کرده است که مخاطب ارتباط واژگان و مضمون را به راحتی درمی‌یابد. با در بیت زیر شاعر با تکرار کلمات (سودا، سوی، ما) همچنین تکرار صامت‌های (س، ا) باعث ایجاد موسیقی درونی شده است:

زاهد و سودای جنت، بحث ما سودای یار / هرکسی را دل به سویی رفت و ما را به سوی دوست  
(سلطان سلیمان، ص ۲۹، ۴۹۳۱)

موسیقی درونی که یکی از عوامل مهم زیبایی و خوش‌آهنگی شعر است، در غزلیات فارسی سلطان سلیمان بسامد پایینی دارد.

۴،۱،۲،۴ موسیقی معنوی: زمانی که شاعر با استفاده از صنایع بدیع (لفظی و معنوی) در شعر خود بهره‌جویی و موجبات زیبایی شعر را فراهم بیاورد، در آن سروده ما شاهد زیبایی معنوی خواهیم بود. در استفاده از این صنایع بدیع نباید شاعر دست به مصنوع کردن شعر خود برد، زمانی این موسیقی معنوی را شاهد خواهیم بد که مخاطب با خواندن یک شعر متوجه معنا و مفهوم آن سروده باشد. پس این موسیقی و آهنگ حاصل هماهنگی واژگان و وجود صنایع ادبی بدیع است. «همان‌گونه که تقارن‌ها، تضادها، شباهت‌ها، در حوزه آواهای زبان، موسیقی اصوات را پدید می‌آورد، همین تقارن، شباهت‌ها و تضادها در حوزه امور معنایی و ذهنی، موسیقی معنوی را سامان می‌بخشد. ... بنابراین همه ارتباط‌های پنهانی عناصر یک بیت یا یک مصرع و از سوی دیگر همه عناصر معنوی یک واحد هنری (یک غزل یا یک قصیده یا یک منظومه، خواه کلاسیک و خواه مدرن) اجزای موسیقی معنوی آن اثرند؛ و اگر بخواهیم از جلوه‌های شناخته شده این موسیقی چیزی را نام ببریم، بخشی از صنایع معنوی بدیع از قبیل تضاد و طباق و ایهام و مراعات‌النظیر از معروف‌ترین نمونه‌هاست.» (شغیعی کدکنی، ص ۳۹۳، ۰۷۳۱). در دیوان سلطان سلیمان هم به این نوع موسیقی برمی‌خوریم، طوری که در بعضی از غزلیاتش هماهنگی کلمات و موسیقی باعث می‌شود غزلش زیبا جلوه بدهد. در غزل زیر شاهد این زیبایی هستیم:

کی به چشم آرم لباس و مسند شاهانه را

طایر فرخنده عیش است رام نقل و می

بهر ما دریاکشان باید که سازد می فروش

خویش را کستم نکردی علاجم ای حکیم

مستی آرد بوی خاک میکده‌ای پیر دیر! غفلت

آرد واعظا در دل مسلسل گفتنت

یک دمم نی با یار نی احباب آید نی رقیب

کلبه‌ام صد رخنه از سنگ حوادث کرد چرخ

من که خواهم دلخ فقر و ای «محبی» جان فدایت سازم از خواهی رساند گوشه میخانه را

از بی صیدی چنین می‌ریزم آب و دانه را

از ظفارش جام را و زخم می پیمانه را

هر که را باشد خرد چون می‌دهد دیوانه را

گویب اندودی با باده این کاشانه را

ساختی گویا ز بهر خواب این افسانه را

چون ننگند آشنا کی جا بود بیگانه را

بر سرم خواهد فکندی گویب آن ویرانه را

وزن این بیت با توجه به محور عمودی و افقی شعر، رمل مثنی محذوف عروض و عجز (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) است؛ اما شاعر در رکن دوم مصرع اول (یم / با / فغا) شکست وزنی ایجاد کرده است. البته باید این را هم در نظر گرفت که شاعر ترک‌زبان دست به سرایش غزل فارسی زده است و هیچ اشکالی ندارد که اشتباهات جزئی در دیوان فارسی‌اش مشاهده شود.

۴،۱،۲،۲ موسیقی کناری (قافیه و ردیف): یکی دیگر از عواملی که باعث ایجاد موسیقی در شعر و آهنگین شدن سروده می‌شود، وجود قافیه و ردیف در پایان هر مصرع است. وجود قافیه در اشعار سنتی اجباری است ولی در اشعار نیمایی ضوابط قافیه متفاوت با اشعار سنتی است. زیرا در این نوع اشعار قافیه جای مشخصی ندارد. البته باید به این نکته مهم اشاره کرد که بزرگان نیمایی سرا به وجود قافیه در شعر اعتقاد بیشتری دارند. نیما یوشیج در این باره می‌گوید: «گر قافیه نباشد چه خواهد بود؟ حباب توخالی. شعر بی‌قافیه مثل آدم بی‌استخوان است... هنر شاعری در قافیه سازی است» (وحیدیان کامیار، ص ۲۰۱، ۹۶۳۱)، ولی وجود ردیف در هر دو اختیاری است که شاعر با آوردن آن موسیقی خاصی به شعر می‌بخشد که هر مخاطبی در پایان مصرعی منتظر تکرار آن آهنگ و موسیقی است. همان‌طور که ذکر شد جایگاه قافیه در شعر اهمیت به سزایی دارد به‌خصوص زمانی که علاوه برداشتن نقش قافیه، صنعت ادبی خاصی (جناس تام، تشخیص، ایهام، تصدیق و ...) در آن به کار رود:

شنیدم که در مصر میری اجل / سپه تاخت بر روزگارش اجل

(سعدی، ص ۱۹۱، ۴۹۳۱)

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست / عالمی دیگر بیاید ساخت از نو آدمی

(حافظ، ص ۰۴۶، ۵۸۳۱)

بنابراین انتخاب و وجود قافیه مناسب در شعر باعث ایجاد نوعی تشخیص و زیبایی سروده می‌شود. شاعر هرچقدر در انتخاب و هماهنگی واژگان قافیه سلیقه بیشتری نشان دهد شعر او زیباتر خواهد بود. «قافیه نوعی زمینه‌سازی برای القای موسیقی شعر در ذهن آدمی است. تکرار الفظی که از نظر معنا و احتمالاً از لحاظ شکل ظاهری باهم متفاوت‌اند ولی از نظر لحن و آهنگ هم‌نوا هستند لذتی به آدمی می‌بخشد که نزدیک است به لذتی که از استماع نغمه‌ای دریافت می‌کنیم.» (ملاح، ص ۳۸، ۵۸۳۱) سلطان سلیمان در دیوان شعر غزلیات فارسی خود از قافیه‌هایی استفاده کرده که در بین شعرا معمول است طوری که در انتخاب این واژگان دست به تصنعی نزنده است. واژگانی چون (قافیه: ابرو، آفتاب، جهان‌بین، جفا، فرقت، کوی، یار و...) که در بین شاعران فارسی سرا معروف است، در شعر او وجود دارد.

گه گره‌ها زنی از ناز خم ابرو را / گاه آشفته کنی کاکل عنبر بو را

(سلطان سلیمان، ص ۵۸، ۴۹۳۱)

تا خرقه و سجاده‌ام ارزدمی چند / خواهم طرف میکده رفتن قدمی چند

(سلطان سلیمان، ص ۴۰۱، ۴۹۳۱)

با بررسی غزلیات این پادشاه شاعر، ۰۸ تا از غزل‌هایش (۳۸ درصد) دارای ردیف هستند. با این بررسی می‌توان این نتیجه را گرفت که سلطان سلیمان از این نکته آگاهی دارد، وجود ردیف در پایان هر مصرع موسیقی خاصی را ایجاد می‌کند و مخاطب در پایان هر مصرع منتظر آن آهنگ است. با صرف‌نظر از بعضی معایب وجود ردیف در شعر (ایجاد حشو، طولانی شدن شعر و ...) استاد شغیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر خود اهمیت وجود ردیف در شعر را چنین می‌فرماید: «۱. از نظر موسیقی - ردیف برای تکمیل موسیقی کناری به کار می‌رود و شعرهای مردف از نظر موسیقی غنی‌تر هستند ۲. از نظر معنایی و کمک به تداعی‌های شاعر - شاعر به کمک ردیف مجال تأمل بیشتری می‌یابد که قافیه را با آن در نظر بگیرد و مفهومی بکر به ذهن آورد. ۳. از نظر ایجاد ترکیبات و مجازهای بدیع در زبان - یکی از فواید ردیف تأثیری است که در ایجاد تعبیرات خاص زبان شعر و توسعه زبان شعر و توسعه مجازها و استعاره‌ها دارد (شغیعی کدکنی، ص ۸۳۱، ۰۷۳۱). پس مردف بودن شعر در موسیقی و آهنگین شدن سروده تأثیر به‌سزایی دارد.

۴،۱،۲،۳ موسیقی درونی: این موسیقی شامل هماهنگی واج‌ها، تکرار کلمات، جناس‌ها و تمامی کلماتی است که در یک سروده از نظر نوشتاری و تلفظ شباهت به هم دارند و با کنار هم قرار گرفتن آن‌ها یک نوع موسیقی و آهنگ خاصی در ذهن مخاطب تداعی می‌شود و به‌نوعی القاکننده معنایی می‌شود که مخاطب در انتظار آن است. «مجموعه هماهنگی‌هایی که از رهگذر وحدت یا تشابه یا تضاد صامت و مصوت‌ها در کلمات یک شعر پدید می‌آید، جلوه‌های این نوع موسیقی است و اگر بخواهیم از انواع شناخته شده آن نام ببریم انواع جناس‌ها را باید ذکر کرد و نیز باید یادآور باشیم که این نوع قلمرو

وقت جان دادن به سر و قتم دمی جان جانانه را

(سلطان سلیمان، ص ۴۸، ۴۹۳۱)

۴.۱.۳. زیبایی تخیل:

همان‌طور که از نامش پیداست آن زیبایی که مربوط به تخیل شاعر است، توضیح اینکه شاعر با استفاده از قدرت ذهنی خود دست به تصویرسازی می‌زند و موجبات زیبایی شعرش را پدید می‌آورد. «تخیل عبارت است از کوشش ذهن هنرمند در کشف روابط پنهانی اشیا دارد به عبارت دیگر تخیل نیرویی است که به شاعر امکان می‌دهد که میان مفاهیم و اشیا ارتباط برقرار کند.» (شفیعی کدکنی، ص ۹۸، ۲۰۸۳۱) توضیح این‌که شاعر با استفاده از صورخیال یعنی با استفاده از آرایه‌های ادبی (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، اغراق، ایهام، تشخیص، حسن‌آمیزی، متناقض‌نما، تشخیص) دست به زیباآفرینی می‌زند. طوری که مخاطب با استفاده از دانش ادبی خود، به مفهوم و معنایی که در پشت پرده است پی می‌برد؛ مانند بیت زیر که حافظ با استفاده از آرایه تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز به تصویرسازی پرداخته است:

بتي دارم که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد / بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد  
(حافظ، ص ۱۶۱، ۵۸۳۱)

۱. استعاره‌های مصرّحه: بت: استعاره از معشوق، گل: استعاره از صورت، سنبل: استعاره از زلف، خط: استعاره از نقش و نگار

۲. استعاره بالکنایه: مصرع دوم: عارض (صورت) قصد کشتن دارد.

۳. کنایه: خطی به خون ارغوان داشتن

۴. تشبیه: بهار عارض

۵. ایهام تناسب: بهار: ۱. فصل بهار: فصل بهار (معنای موردقبول). ۲. اسم بتخانه (که با بت، تناسب دارد)

۶. خون: مجاز از کشتن به علاقه لازمیّه

۷. مراعات‌النظیر: گل، سنبل، ارغوان، بهار

با بررسی بیت زیر از حافظ می‌توان این نتیجه را گرفت که محبوبیت شعرهای او بی‌دلیل نیست، شاعری می‌تواند در ذهن مخاطبین خود را جای بدهد که از تمام ابزارهای زیباسازی بهره‌مند شود. سلطان سلیمان هم در اشعار خود با بهره‌گیری از دواوین شاعران پیشرو ایرانی، از صور خیال بهره‌جسته‌است حتی در بعضی از اشعارش هم‌سطح با شاعران ایرانی سروده است: مثلاً در غزل زیر:

ای از نظاره تو خجل آفتاب صبح

تابان ز جیب پیرهن سینه چو سیم

دل را فراغ می‌دهد و دیده را فروغ

مستان از جمال تو از مستی خیال

بستان می صبوح «محبّی» به فال سعد

لعلت به خنده شکرین برده آب صبح

چون روشنی روز سپید از نقاب صبح

دیدار آفتاب و شان و شراب صبح

ذوق می شبانه ندانند و خواب صبح

این دم که آفتاب گشاید کتاب صبح

(سلطان سلیمان، ص ۸۹، ۴۹۳۱)

شاعر در این غزل خود با استفاده از صور خیال (استعاره، تشبیه، مجاز، کنایه و ...) یک فضایی با مضمون غنائی ایجاد کرده و دست به تصویرسازی زیبایی زده است. از این صورخیال که هر شاعر غزل‌سرا در سروده خود دارد، در دیوان سلطان سلیمان هم به‌وفور می‌توان یافت. نمونه‌هایی از این قبیل:

\*با استفاده از تشبیه و استعاره:

طراوت سمنت در قمر نمی‌یابم / حلاوت دهنت در شکر نمی‌یابم

ورای حسن، مه من به مهر و وفا / ترا چیست که آن را در بشر نمی‌یابم

(سلطان سلیمان، ص ۲۱۱، ۴۹۳۱)

\*با استفاده از متناقض‌نما:

من که غم پرور این دیر خراب‌آبادم / زانم آباد که دانم به خرابی شادم

(سلطان سلیمان، ص ۵۱۱، ۴۹۳۱)

\*با استفاده از ایهام:

مستی آرد بوی خاک میکده‌ای پیر دیر! غفلت / گویی اندودی با باده این کاشانه را

(سلطان سلیمان، ص ۴۸، ۴۹۳۱)

\*با استفاده از مجاز:

هر دم به منش جویری و هر لحظه جفاییست / بالله که عجب کافر و بد مهر بلاپیست

(سلطان سلیمان، ص ۹۸، ۴۹۳۱)

\*و...

با بررسی کلی دیوان سلطان سلیمان می‌توان به این نتیجه رسید که، او برای غنی‌سازی موسیقی و پربرار کردن مفهوم و مضمون، متناسب با قالب غزل از صورخیال استفاده کرده‌است. طوری که در این امر به‌خوبی عمل کرده‌است و به مانند شعرای فارسی سرای ایرانی دست به این کار زده‌است.

۴.۲. زیبایی محتوا:

شاعران در سروده‌های خود از تمام ابزارهای ادبی استفاده می‌کنند تا سروده آن‌ها یک محتوای زیبا و موردقبول مخاطبین داشته باشد. منظور از زیبایی محتوایی همان زیبایی درونی شعر است که تمامی صناعات ادبی، وزن، قافیه و... در کنار هم برای ایجاد آن جمع شده‌اند. زیبایی محتوا همان اندیشه، مضمون، فکر، عواطف و ... نویسنده را شامل می‌شود که شاعر با قدرت تخیل ذهنی خود آن را می‌سراید. درمورد محتوا و جایگاه آن نظرات متفاوتی وجود دارد که خارج از بحث ماست. زیبایی محتوا یا مضمون هر نوشته‌ای باید با قالب و فضای شعر تناسب داشته‌باشد. شعری، محتوایی جذاب و زیبایی خواهد داشت که شاعرش در انتخاب واژگان، ترکیبات، وزن، قافیه، صناعات ادبی و ... سلیقه به خرج دهد. اندیشه، محتوا و معنا در شعر سلطان سلیمان به‌خوبی رعایت شده است، توضیح اینکه این شاعر عثمانی با در نظر گرفتن مضمون و فضای شعر به سرودن پرداخته است و متناسب با قالب غزل واژگان را انتخاب کرده است. از مضامینی که در دیوان محبّی پیدا می‌شود:

\*اندیشه ملامتی و قلندری:

کی به چشم آرم لباس و مسند شاهانه را / من که خواهم دلق فقر و گوشه میخانه را

(سلطان سلیمان، ص ۴۸، ۴۹۳۱)

\*مذهب رندی:

در خانقاه غیر ریا چون ندید دل / شد سوی دیر و مذهب رندان از آن گرفت

(سلطان سلیمان، ص ۴۹، ۴۹۳۱)

\*ازلی بودن عشق:

تیغ تو روز ازل چون که حوالت شد مرا / سر نهادم اینک و تیغ تو نصّ قاطعست

(سلطان سلیمان، ص ۱۹، ۴۹۳۱)

ز عشق مغیجگنم امید نیست خلاص / که ذاتی است مرا این بلا نه مکتیبست

(سلطان سلیمان، ص ۸۹، ۴۹۳۱)

\*و موضوعاتی چون حسرت دیدار یار، تحمل سختی‌های راه عشق، فداکاری و ...!

با بررسی همه‌جانبه محتوای غزلیات فارسی سلطان سلیمان می‌توان این نتیجه را گرفت که این پادشاه شاعر هیچ ابتکار و نوآوری ندارد بلکه در انتخاب مضامین خود بیشتر به سراغ دیوان حافظ رفته‌است. طوری که می‌توان گمان برد، دیوان حافظ را منبع خود قرار داده‌است و مضامین و انتخاب واژگان را از آن برداشته‌است و به‌اصطلاح امروز «کپی، پیست» کرده‌است. «روشن‌ترین ویژگی غزل‌های سلطان سلیمان این

است که او به شدت تحت تأثیر غزل‌های حافظ شیرازی است. «حسن‌لی، ص ۲۰۲»  
 ۴۰۳: زیبایی حاصل از هماهنگی:

همان‌طور که در سطور بالا اشاره شد، شعری جایگاه والایی خواهد داشت که هماهنگی و رابطه مستقیم بین اجزای مختلف تشکیل‌دهنده سروده باشد. توضیح اینکه هرچقدر شعر از نظر محورهای افقی و عمودی ارتباط و تناسب داشته باشد، محبوبیت بیشتری خواهد داشت. «یک شعر حائز شرایط ترکیبی است که در آن قافیه و وزن پیوندی ارگانیک با کل اثر داشته باشد، در آن اجزا متفقا یکدیگر را تأیید و تفسیر کنند، همه به تناسب خود باهدف و تأثیرات معروف نظام وزن شعر هم‌آهنگ و مؤید آن باشند. شعر حقیقی نه سلسله مصراع‌ها و یا ابیات جذاب است که هر کی از آن‌ها بذاته کامل بوده و هیچ‌گونه پیوند لازمی با بقیه اثر نداشته‌باشند و نه آن نوع اثر سست بافتی است که در آن مقصود کلی را از نتیجه به دست بیآوریم بی‌آنکه به وسیله اجزای ترکیب به حقیقت متمایز اثر که آن‌ها را آشکار می‌کند، راه یابیم» (دیچز، ص ۳۷۱، ۳۷۳). پس با این تعریف‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که شعر شاعری زیبا و دلنشین خواهد بود که اجزا و عوامل به وجود آمده شعر سلسه‌وار باهم تناسب و هماهنگی داشته باشد. این نکته هم در اکثر غزلیات سلطان سلیمان کاملاً مشهود است به این خاطر که او در انتخاب واژگان، مضامین و ... به سراغ حافظ رفته و با الهام گرفتن از اشعار او دست به سرودن زده است. به‌عنوان مثال یک غزلی از سلطان سلیمان برای خاتمه این بحث آورده میشود:

ای دل آرام من از تو جدایی چون کنم  
 از می و محبوب ما را طعنه‌زن گر منع کرد  
 محنت و در و بلایی کز تو ما را می رسد  
 چون هوای زلف تو در سینه من جا گرفت  
 چون «محتی» با تو در روز ازل شد آشنا  
 طاقت و صبر از نماند بی‌وفایی چون کنم  
 من که زنده زاهد این پارسایی چون کنم  
 راضیم با آن رقیب روسیاهی چون کنم  
 آن هوا از سر نرفت و من هوایی چون کنم  
 این زمان بیگانه گردی آشنایی چون کنم  
 (سلطان سلیمان، ص ۱۱۱، ۴۹۳۱)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این سروده شاعر با در نظر گرفتن محور عمودی و افقی شعر از واژگان، ترکیبات، قافیه‌ها و ... استفاده کرده است تا شعر زیبا به نظر برسد. نتیجه‌گیری:

سلطان سلیمان قانونی، پادشاه حکومت عثمانی با توجه به علاقه‌ای که به شعر و ادب فارسی داشت، از خود دیوان شعری به‌جا گذاشته‌است که شامل غزلیات فارسی و ترکی، رباعیات و مفردات است. با بررسی دیوان غزلیات فارسی این پادشاه شاعر (محتی) این نتایج به‌دست آمده‌است که او در شاعری اکثرًا از اشعار شاعران ایرانی به‌خصوص حافظ شیرازی بهره‌مند شده‌است. توضیح اینکه او با استفاده از لغات، ترکیبات، قوافی دیوان غزلیات حافظ در حول محور مضامینی چون (رندی، قلندرانه، ازلی بودن عشق و ...) دست به‌قلم شده‌است که در این امر هم با توجه به این‌که مرد سیاست است و شاعری شخصیت دوم اوست، موفق شده است. او توانسته در شعر خودش مثل شاعران فارس سرای ایرانی عوامل و ابزارهایی را که باعث زیبایی و دل‌نشین شدن شعر می‌شود، رعایت کند. سلطان سلیمان در غزلیات فارسی خود که ۶۹ تا است با صرف‌نظر از بعضی اشتباهاتی که در دیوان هر شاعری اتفاق می‌افتد، هم از نظر رساخت (زیبایی بیرونی: زبان، ترکیبات، وزن، قافیه و ...) و هم از نظر ژرف‌ساخت هنری (زیبایی درونی: محتوا، هماهنگی سازه‌ها و ...) به‌خوبی ظاهر شده‌است. او در غزلیات فارسی خود به این نکته مهم که هر یک از اجزای شعر برای زیبا نشان دادن سروده باید پیوند و ارتباط باهم داشته‌باشند، توجه دارد و سازه‌های شعر او با توجه به مضمون و قالب شعری زنجیروار در کنار هم قرار گرفته‌اند.

#### منابع:

پورنامداریان، تقی، (۱۸۳۱)، سفر در مه، تهران، نگاه، ویراست جدید  
 حافظ، شمس‌الدین محمد، (۵۸۳۱)، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران، صفی علی‌شاه

حسن‌لی، کاووس، تسلط شاعر بر پادشاه (وام‌گیری‌های سلطان سلیمان قانونی از حافظ شیرازی)، وبگاه

<http://www.hasanli.me/wordpress>

خیام، عمر بن ابراهیم، (۱۹۳۱)، دیوان رباعیات، به تصحیح محمدعلی فروغی و قاسم غنی، تهران، ناهید، چاپ ششم

دیچز، دیوید (۳۷۳۱)، شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، تهران، علمی، چاپ چهارم

سعدی، مصلح‌الدین، (۴۹۳۱) بوستان، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، صفی علی‌شاه، چاپ چهاردهم

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۰۸۳۱)، ادوار شعر فارسی، تهران، سخن، چاپ دوم

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۰۷۳۱) موسیقی شعر، تهران، آگاه، چاپ سوم

شوکتی، آیت، بررسی زیباشناختی عناصر موسیقایی در دیوان فتیاض لاهیجی، فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، سال هفدهم، شماره ۸۳، اسفند ۷۹۳۱

صهبا، فروغ، مبانی زیبایی‌شناسی شعر، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دوره بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۴۸۳۱

ظهیری ناو، بیژن، مبانی جمال‌شناسی از دیدگاه سعدی، مجله شعرپژوهی، سال هفتم، شماره ۲، تابستان ۴۹۳۱

عقدایی، تورج، جمال‌شناسی شعر مولانا در مثنوی، فصلنامه تخصصی عرفان، سال پنجم، شماره ۷۱، پاییز ۷۸۳۱

قاسمی‌پور، قدرت، ترکیب سازی‌های واژگانی در پنج گنج نظامی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره ۲، تابستان ۰۹۳۱

قانونی، سلطان سلیمان، (۴۹۳۱)، کلیات دیوان سلطان سلیمان، تصحیح دکتر فاطمه مدرسی و دکتر وحید رضایی، ارومیه، بوتانشر

کزازی، میرجلال‌الدین، (۳۷۳۱) زیباشناسی سخن فارسی (بدیع)، جلد ۱، تهران، انتشارات ماد، چاپ سوم

گاستالا، پی‌یر (۶۳۳۱)، زیباشناسی تحلیلی، ترجمه علینقی وزیر، تهران دانشگاه تهران

ملّاح، حسینعلی، (۷۶۳۱)، پیوند شعر و موسیقی، تهران، فضا، چاپ اول

منوچهری، احمدبن قوس، (۸۳۳۱)، دیوان منوچهری دامغانی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، زوار، چاپ دوم

نیک‌خواه نوری و همکاران، ام‌النین، بررسی توازن واژگانی در غزل‌های سنایی، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی، سال دوازدهم، شماره ۳۲، تابستان ۰۰۴۱

وحیدیان کامیار، تقی، (۹۶۳۱) وزن و قافیه شعر فارسی تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم.